Received: 2025/11/10
Accepted: 2026/9/6
from 65 to 90

Masoumeh Navazi
PhD in Comparative Interpretation, Yazd University, Yazd, Iran. (Corresponding Author).
mnavazi@stu.yazd.ac.ir

Mohammad Ali Heydari Mazra Akhund
Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.
heydari@yazd.ac.ir

Baman Ali Dehghan Mongabadi
Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.
badehghan@yazd.ac.ir

Keywords:
Islamic teachings, suffering, educational components, Viktor Frankl.

A Comparative Study of the Educational Components of Suffering in Viktor Frankl's Perspective and Quranic and Hadith Teachings

Abstract

Suffering is an inevitable reality in human life. It plays a decisive role in individual education and development. Facing suffering consciously strengthens patience, deepens spiritual beliefs, and forms enduring attitudes toward life. Viktor Frankl founded Logotherapy. He considers suffering an essential context for spiritual growth and individual perfection. Islamic teachings also emphasize the pivotal role of suffering in training the soul and achieving human completion. This study analyzes the educational components of suffering from Frankl's perspective alongside Islamic teachings. The researchers applied a descriptive and analytical method using a comparative approach. The results show Frankl identifies specific educational components regarding suffering. These include suffering and meaning, suffering and worldly perfection, suffering and salvation in the afterlife, suffering and responsibility, and suffering and hope. Frankl's perspective on these components aligns largely with Islamic teachings. The primary difference appears in the component of suffering and meaning. Frankl omits suffering caused by divine testing, the consequences of human actions, and the atonement for sins. Islam emphasizes these specific areas heavily. Furthermore, in the component of suffering and hope, Frankl frames hope as a general human phenomenon. This contrasts with Islamic teachings, which restrict true hope to divine mercy.

بررسی تطبیقی مؤلفه‌های تربیتی مفهوم رنج از دیدگاه ویکتور فرانکل و آموزه‌های قرآنی و حدیثی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۸/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۶/۱۵
از صفحه ۶۵ تا صفحه ۹۰

معصومه نوازی
دکترای تفسیر تطبیقی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. (نویسنده‌ی مسئول)
mnavazi@stu.yazd.ac.ir

محمدعلی حیدری مزرعه آخوند
دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
heydari@yazd.ac.ir

پمانعلی دهقان منگابادی
دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
badehghan@yazd.ac.ir

چکیده

رنج به‌عنوان واقعیتی اجتناب‌ناپذیر در زندگی انسان می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در فرایند تربیت و تکامل فرد ایفا کند؛ زیرا مواجهه‌ی آگاهانه با رنج موجب تقویت صبر، تعمیق باورهای معنوی و شکل‌گیری نگرش‌های پایدار نسبت به زندگی می‌شود. ویکتور فرانکل، بنیان‌گذار معنادرمانی، رنج را بستری ضروری برای رشد معنوی و تعالی فرد می‌داند و از سوی دیگر، آموزه‌های اسلام نیز بر نقش محوری رنج در تربیت نفس و کمال انسانی تأکید دارند؛ ازاین‌رو، در این پژوهش تلاش شده است تا به شیوه‌ی توصیفی- تحلیلی و رویکرد تطبیقی، مؤلفه‌های تربیتی مفهوم رنج از دیدگاه ویکتور فرانکل و آموزه‌های اسلام واکاوی و بررسی گردد. بدین منظور، با بررسی این مفهوم در آموزه‌های اسلام و تطبیق آن با آرای فرانکل این نتایج به‌دست آمد که فرانکل در بحث رنج، مؤلفه‌های تربیتی چون رنج و معناداری، رنج و تعالی دنیوی، رنج و رستگاری اخروی، رنج و مسئولیت‌پذیری و رنج و امیدواری را مطرح کرده است. دیدگاه فرانکل در این مؤلفه‌ها با آموزه‌های اسلام مطابقت دارد؛ با این تفاوت که در مؤلفه‌ی رنج و معناداری به رنج ناشی از آزمایش الهی، پیامد اعمال و کفاره گناهان اشاره‌ای نکرده است، درحالی‌که اسلام توجه ویژه‌ای به آن‌ها دارد. در مؤلفه‌ی رنج و امیدواری نیز، امید را به‌صورت کلی و انسانی مطرح کرده است که با آموزه‌های اسلام تفاوت دارد که امید را منحصر در رحمت الهی می‌داند.

واژگان کلیدی:
آموزه‌های اسلام، رنج، مؤلفه‌های تربیتی، ویکتور فرانکل.

۱- مقدمه

رنج، تجربه‌ای همگانی و اجتناب‌ناپذیر در زندگی بشر، همواره موضوع تأملات فلسفی، دینی و روان‌شناختی ژرفی بوده است. در این میان، آموزه‌های اسلام با ارائه‌ی نگاهی جامع و هدفمند، به رنج معنایی متعالی بخشیده است و آن را جزئی از حکمت الهی و بستری ضروری برای امتحان (بقره: ۱۵۵)، پیامد اعمال (شوری: ۳۰)، کفاره گناهان (انعام: ۴۲) و درنهایت، تقرب به خداوند می‌داند. از این دیدگاه، رنج پدیده‌ای تصادفی و پوچ نیست، بلکه ابزاری مؤثر در تربیت انسان کامل و حرکت او به‌سوی کمال مطلق به‌شمار می‌رود. این نگرش نظام تربیتی اسلام را بر پایه‌ای استوار می‌سازد که در آن، مواجهه با مصائب به فرصتی برای شکوفایی معنویت و اخلاق تبدیل می‌گردد. در عصر حاضر، رویکردهای روان‌شناختی معناگرا مانند معنادرمانی ویکتور فرانکل نیز با عبور از نگرش‌های مادی‌گرایانه، بر قابلیت رنج برای معنابخشی به زندگی (فرانکل، ۲۰۰۶، ص ۱۰۱) و رشد شخصیت (همان، ص ۶۷) تأکید کرده‌اند. فرانکل رنج را بستری برای کشف معنا (همان، ص ۱۰۱)، مسئولیت‌پذیری (همان، ص ۹) و تعالی روح (همان، ص ۶۴). می‌داند. در این پژوهش تلاش می‌شود تا مؤلفه‌های تربیتی مفهوم رنج در دیدگاه ویکتور فرانکل با آموزه‌های اسلام بررسی و مطابقت گردد؛ ازاین‌رو، سؤال اصلی پژوهش بر این مبنا استوار است: مؤلفه‌های تربیتی مفهوم رنج در دیدگاه ویکتور فرانکل چیست و تا چه میزان با آموزه‌های اسلام مطابقت دارد؟ بر اساس مطالعات مقدماتی، فرضیه‌ی اصلی پژوهش این است که به‌نظر می‌رسد، مؤلفه‌های تربیتی رنج در دیدگاه فرانکل در برخی مؤلفه‌ها مانند مسئولیت‌پذیری، تعالی دنیوی و رستگاری اخروی با آموزه‌های اسلام مطابقت دارد؛ اما در غایت نهایی معنابخشی مانند غفلت از رنج به‌عنوان کفاره‌ی گناهان و پیامد اعمال با چارچوب اسلامی ناهمسو است.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

مقالاتی ذیل موضوع رنج وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۱. دریکوند و دژپسند (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه‌ی فلسفه رنج از دیدگاه قرآن و پارادایم معنادرمانی»، به تحلیل مفهوم، کارکردها و شیوه‌های رهایی از رنج از دو دیدگاه قرآن کریم و روان‌شناسی معناگرا پرداخته‌اند، درحالی‌که پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است: «مؤلفه‌های تربیتی رنج به‌صورت عینی و ملموس کدام‌اند و کدام‌یک از مؤلفه‌های فرانکل با معیار اسلامی قابل تطبیق هستند؟»

۲-۲. قدیری یگانه، زیرک و آذر (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه‌ی تطبیقی معنای رنج در اندیشه‌ی ویکتور فرانکل و مولانا»، به بررسی مفهوم رنج در اندیشه‌ی مولانا و ویکتور فرانکل پرداخته‌اند، درصورتی‌که پژوهش حاضر در پی سنجش میزان مطابقت و واکاوی نقاط قوت و ضعف دیدگاه فرانکل در ترازوی آموزه‌های ناب اسلامی است.

۲-۳. میرانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «معنادرمانی دینی رنج در مثنوی معنوی و بهشت گمشده»، به بررسی نقش متون ادبی دینی در انتقال معنای تسکین‌بخش رنج پرداخته است،

درحالی‌که مقاله‌ی حاضر با رویکردی تربیتی، به استخراج و تبیین مؤلفه‌های عینی و کاربردی مفهوم رنج از دیدگاه ویکتور فرانکل و آموزه‌های اسلام همت گمارده است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی است. تلاش شده است تا ابتدا مؤلفه‌های تربیتی مفهوم رنج از دیدگاه فرانکل استخراج شود؛ سپس با آموزه‌های اسلام بررسی و سنجیده گردد. آیات قرآن کریم، روایات اهل‌بیت(ع)، منابع تفسیری و کتب ویکتور فرانکل منابع استفاده‌شده این پژوهش هستند. روش استخراج مؤلفه‌ها در این پژوهش بررسی همه‌ی جملات بیان‌شده‌ی فرانکل بوده است، بدین ترتیب که نخست، همه‌ی گزاره‌های مرتبط با رنج و تربیت از آثار فرانکل استخراج گردید؛ سپس این گزاره‌ها در فرایندی قیاسی مقایسه و دسته‌بندی شدند و درنهایت، مفاهیم کلان‌تر (مؤلفه‌های تربیتی) از درون این دسته‌بندی استنتاج و نام‌گذاری گردیدند. در مرحله‌ی بعد، برای هر مؤلفه‌ی استخراج‌شده، با جست‌وجویی هدفمند در منابع اسلامی، آیات و روایات متناظر استخراج و تحلیل تطبیقی انجام شد.

در ادامه، به بررسی زندگی ویکتور فرانکل در جهت شکل‌گیری معنادرمانی، مؤلفه‌های تربیتی مفهوم رنج و سنجش آن با آموزه‌های اسلامی پرداخته می‌شود.

۴- ویکتور فرانکل و معنادرمانی

ویکتور امیل فرانکل روان‌پزشک، فیلسوف و استاد عصب‌شناسی دانشکده پزشکی دانشگاه وین، ۲۶ مارس ۱۹۰۵ در وین دیده به جهان گشود. وی استاد ممتاز و بنیان‌گذار سومین مکتب روان‌درمانی یعنی معنادرمانی است (فرانکل، ۱۹۸۸، ص ۳). معنادرمانی یا لوگوتراپی به واژه‌ی یونانی «لوگوس» برمی‌گردد که معادل «معنا» است. بنا به گفته‌ی ویکتور فرانکل، معنادرمانی عبارت است از «درمان از رهگذر معنا، شفابخشی از رهگذر معنا یا روان‌درمانی متمرکز بر معنا» (همان، ص ۱۴). این نوع درمان فرض می‌کند که زندگی معنایی بی‌قیدوشرط دارد و معنا را هرکس در هر کجا و در هر زمانی می‌تواند بیابد و کشف کند و زندگی عبث و بیهوده نیست (همان، ص ۱۱۰). بنا بر اصول معنادرمانی، تلاش برای یافتن معنی در زندگی اساسی‌ترین نیروی محرکه هر فرد در دوران زندگی اوست (همان، ۲۰۰۶، ص ۸۷)؛ ازاین‌رو، هدف معنادرمانی توانا ساختن افراد برای کشف معنای منحصربه‌فرد خودشان است (همان، ص ۸۷)؛ بنابراین، ویکتور فرانکل از رهگذر معنادهی به مفاهیمی از زندگی چون رنج، اختیار، مرگ، امید، عشق و...، راه‌های درمان بیماری‌های روحی و روانی را استنباط و استخراج کرده و برای هریک قواعدی وضع نموده است و هیچ‌یک از این مؤلفه‌ها را عبث و باطل نمی‌انگارد. از نظر او، در هر مصیبتی نیز معنایی نهفته است. اگر افراد میدان دید خود را وسعت دهند تا معنا و ارزش نهفته در آن مصیبت را ببینند، آنگاه قادر خواهند بود شجاعانه آن را بپذیرند و با آن مبارزه کنند (همان، ۱۹۸۸، ص ۵۷). این برداشت همان مفهومی است که از آیات قرآن کریم استنباط می‌شود؛ آیاتی نظیر: «**وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ**

وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵). افراد در اجتماع نیاز دارند برای زندگی خود معنایی پیدا کنند، اگر نتوانند این معنا را بیابند، دچار خلأ وجودی می‌شوند که منشأ اغلب ملالت‌ها و بی‌حوصلگی‌هاست (فرانکل، ۲۰۰۶، ص ۹۵). در این میان، وی در زندگی مفهوم رنج را برگزیده است. در حقیقت، وی می‌خواهد از طریق بها دادن به معنادهی به رنج و نقش تربیتی آن در زندگی، روان‌پریشی را درمان بخشد. در ادامه به‌تفصیل به بیان مؤلفه‌های تربیتی مفهوم رنج از دیدگاه فرانکل پرداخته می‌شود.

۵- مؤلفه‌های تربیتی مفهوم رنج از دیدگاه ویکتور فرانکل

فرانکل رنج را بخشی اجتناب‌ناپذیر از زندگی انسان می‌داند که می‌تواند به منبعی برای یافتن معنا تبدیل گردد. بنا بر عقیده‌ی او، انسان‌ها حتی در سخت‌ترین شرایط هم می‌توانند معنای رنج خود را کشف کنند. رنج و معناداری، رنج و تعالی دنیوی، رنج و رستگاری اخروی، رنج و مسئولیت‌پذیری و رنج و امیدواری ازجمله مؤلفه‌های تربیتی فرانکل در مفهوم رنج است که در ادامه به بیان هر یک پرداخته می‌شود.

۵-۱- رنج و معناداری

فرانکل رنج را جزء لاینفک زندگی دانسته و با طرح موضوع معناداری رنج، آن را مطرح کرده است. او بر این باور است که اگر رنج جزء لاینفکی از زندگی است، پس باید معنایی در آن نهفته باشد و اگر انسانی بتواند به رنج خود معنا دهد، آن رنج دیگر آزاردهنده نیست و پذیرش این حالت با افسردگی همراه نمی‌شود، حتی سبب آرامش درونی برای فرد می‌شود. به عقیده‌ی وی، رنج بردن وقتی معنایی چون فداکاری و گذشت پیدا می‌کند، دیگر آزاردهنده نیست (فرانکل، ۲۰۰۶، ص ۱۰۱). به باور فرانکل، آنچه انسان‌ها را از پای درمی‌آورد، رنج‌ها و سرنوشت نامطلوبشان نیست، بلکه بی‌معنا شدن زندگی است که مصیبت‌بار است. از نظر او، معنا تنها در لذت و شادمانی نیست، بلکه در درد و رنج هم می‌توان معنایی یافت (همان، ص ۱۰۱). دکتر فرانکل بسیاری از بیماری‌های دوران معاصر را سبب بی‌نتیجه ماندن جست‌وجوی انسان در معنی می‌داند. او در روش معنادرمانی خود، توجه انسان‌ها را به این مسئله جلب می‌کند که انگیزه‌ی اصلی و هدف زندگی گریز از درد و لذت بردن نیست، بلکه معنی‌جویی زندگی است که به زندگی مفهوم واقعی می‌بخشد و بر این عقیده است که انسان‌ها درد و رنجی را که معنی و هدفی دارد، با میل تحمل می‌کنند (همان، ص ۱۰۱). از دید او، دستیابی به معنا از طریق رنج، تنها هنگامی روی می‌دهد که رنج کشیدن ناگزیر و گریزناپذیر باشد (همان، ۱۹۸۶، ص ۹) و پذیرش درد و رنجی که قابل‌رفع باشد، نه‌تنها فرد را به جایی نمی‌رساند، بلکه زندگی او را تحلیل می‌دهد و رو به ویرانی می‌برد (همان، ۲۰۰۶، ص ۱۰۲). بر اساس دیدگاه فرانکل، رنج نه‌تنها بخشی اجتناب‌ناپذیر از زندگی انسان است، بلکه می‌تواند به فرصتی برای معناجویی و رشد درونی تبدیل شود.

۵-۲- رنج و تعالی دنیوی

ویکتور فرانکل علاوه بر مسئله‌ی معناداری رنج، مؤلفه‌ی پیشرفت با رنج را نیز مطرح کرد. از نظر او، این رنج‌های معنادار زمینه‌ی رشد و تعالی بشر را فراهم می‌سازند. او از تجربه‌ی خود در اردوگاه زیر بار شکنجه و درد می‌گوید: وقتی معنا و مفهوم واقعی رنج برایمان آشکار گشت، دیگر در پی کاهش یا سبک کردن شکنجه‌ها و دردهای اردوگاه نبودیم و نمی‌خواستیم آن‌ها را نادیده بگیریم یا به رؤیاهای ساختگی و واهی پناه ببریم. ما می‌دانستیم که در رنج کشیدن فرصت‌هایی ناب و راستین وجود دارد که اگر کمی چشم بازکنیم، می‌توانیم به وجود آن‌ها پی ببریم و متوجه شویم آن‌ها ما را به سمت کمال و تعالی سوق می‌دهند (همان، ص ۷۲). بنا بر دیدگاه وی، اگر انسان‌ها آزادی درونی خود را حفظ کنند و شکوه بشری خود را از یاد نبرند، ارمغان رنج‌هایشان را دریافت می‌کنند که دستیابی به ارزش‌های والای انسانی است. در حقیقت، اگر شرافتمندانه و آزادانه زندگی کنند و صرفاً به فکر نجات خویش نباشند، نشان می‌دهند که شایستگی لازم برای رسیدن به کمال متعالی و ارزش‌های اخلاقی والایی دارند (همان، ص ۶۴).

فرانکل به‌عنوان یک روان‌پزشک، بر این باور است که هرگز نباید هر درد و رنجی را نشانه‌ی بیماری عصبی دانست (همان، ص ۹۲). بر اساس دیدگاه او، ارزش‌های نگره‌ای آنجا شکوفا می‌شوند که شخص با آن چیزی روبه‌رو گردد که سرنوشت به او تحمیل کرده است. این امر به این معناست که زندگی آدمی نه‌تنها در خلاقیت و خوشبختی، بلکه در رنج هم می‌تواند مفهوم باشد و تشفی یابد (فرانکل، ۱۹۸۶، ص ۶۶)؛ بنابراین، رنج بستری است که شخص را پخته می‌کند و در نتیجه‌ی آن، انسان به رشد می‌رسد (همان، ص ۶۷). رنج‌های معنوی آدمی را از دل‌مردگی حفظ می‌کند و او را از جمود روانی به دور می‌دارد تا وقتی‌که انسان رنج می‌برد، زنده است. درواقع، با رنج بالغ می‌شود و رشد می‌کند؛ زیرا رنج او را قوی‌تر و غنی‌تر می‌سازد (همان، ص ۶۸). رنج و سختی همچون تقدیر و مرگ، به زندگی تعلق دارد. زیر ضربات چکش سرنوشت و در گداختگی ورای رنج است که زندگی شکل و صورت می‌گیرد (همان، ص ۶۹). همین شرایط دشوار و سخت اغلب فرصتی به انسان می‌دهد تا از نظر روحی به کمال و تعالی برسد. او از تجربه‌ی اردوگاهی خود می‌گوید. در این نوع از زندگی، تعدادی از زندانیان به اوج والای روحانیت دست یافتند. آنان فرصت یافتند بر شکست‌ها و ناکامی‌های دنیوی خود چیره گردند و به اوج عظمت انسانی برسند و این تعالی و کمالی بود که در شرایط عادی شاید هرگز بدان دست نمی‌یافتند (فرانکل، ۲۰۰۶، ص ۶۷). از نظر او، رنج‌های معنادار می‌توانند انسان را به سطحی از کمال و پختگی برسانند که در شرایط عادی زندگی دست‌یافتنی نیست.

۵-۳- رنج و رستگاری اخروی

فرانکل به جهان آخرت و دنیای پس از مرگ اعتقاد دارد. به باور او، جهانی ماورای جهان انسانی وجود دارد که پاسخ رنج‌های بشر را خواهد داد. او دراین‌باره می‌گوید: جهان انسانی غایت و نهایت جهان هستی نیست، بلکه جهان دیگری ماورای این دنیای انسانی وجود دارد که به

رنج‌های بشری پاسخ نهایی خواهد داد (همان، ص ۱۰۶) و رنج‌های انسان در این دنیا، در آنجا معنا می‌یابد (همان، ص ۱۰۶). وی در درمان یکی از بیماران مبتلا به افسردگی که پس از اسارت و کشته شدن فرزندانش در جنگ به این بیماری دچار شده بود، به او گفت: درد و رنجی که پس از هجران فرزندانت متحمل شدی، باعث تطهیر و تزکیه روحت شده است و اکنون شاید شایسته باشی که در بهشت به آنان ملحق شوی؛ زیرا خداوند هیچ‌یک از رنج‌هایی را که می‌کشی، بیهوده و بی‌پاسخ نمی‌گذارد (همان، ص ۱۰۸)؛ بنابراین، اغلب انسان‌ها پذیرای درد و رنجی هستند که دارای معنا و هدف است و تمایل به تحمل آن دارند؛ زیرا می‌دانند پاسخ رنج‌های خود را از خداوند دریافت می‌کنند (همان، ص ۱۰۱). او از تجارب کار اردوگاهی خود می‌گوید: یک‌بار که در سحرگاهی در گودال‌های حفرشده کار می‌کردم، همه‌چیز در نظرم رنگ غم و اندوه وصف‌ناشدنی داشت. در رنجی بی‌امان و مرگی تدریجی دست‌وپا می‌زدم، سعی می‌کردم قدری درد روحی خود را التیام ببخشم؛ اما هرچه بیشتر می‌کوشیدم، کمتر موفق می‌شدم. در سیاهی عمیق و دردناکی غوطه می‌خوردم، تقدیرم ناعادلانه و ظالمانه به‌نظر می‌رسید. ناگهان به این احساس رسیدم که آفرینش هدف غایی و نهایی دارد؛ ازاین‌رو، روحم دل تاریکی‌ها را شکافت و به رستاخیز رسید (همان، ص ۴۲)؛ به‌عبارت‌دیگر، هنگامی‌که فرانکل دریافت که پاسخ رنج‌های خود را در جهان غایی و نهایی دریافت خواهد کرد، تحمل شرایط اردوگاه بسیار برایش آسان‌تر شد. وی انتقال و گذرایی زندگی را نیز حقیقت معنادار می‌داند. به عقیده‌ی او، با مرگ معنای زندگی پایان نمی‌پذیرد، بلکه آنچه با مرگ از دست می‌رود، امکانات و توانایی‌هاست. او بر این باور است که انتقال و گذرایی زندگی نه‌تنها از معنای زندگی کم نمی‌کند، بلکه احساس مسئولیت و رسالتی تازه را بیدار می‌سازد که انسان را به‌سوی تلاش و پویایی سوق می‌دهد تا فرصت‌ها را غنیمت بشمارد، فعالانه وظیفه‌ی خود را انجام دهد و رنج‌ها را باشهامت پشت سر بگذارد. کسی که با این طریق زندگی کند، بعد با آرامش به زندگی روبه‌زوال خود می‌نگرد (همان، ص ۱۰۹)؛ به عبارتی، فرانکل در مؤلفه‌ی رنج و رستگاری اخروی، رنج را نه‌تنها تجربه‌ای زمینی، بلکه پلی به‌سوی معنا و رستگاری در جهان پس از مرگ می‌داند.

۴-۵- رنج و مسئولیت‌پذیری

بنا بر نظر فرانکل، رنج و مرگ برای خود معنا و مفهوم دارند و هیچ‌کس نمی‌تواند برای دیگری این معنا را تعبیر کند. هرکسی وظیفه دارد، معنای زندگی خود را بیابد و مسئولیت آن را بر عهده بگیرد تا بتواند بر همه‌ی مشقات غلبه کند و به زندگی خود ادامه دهد. انسان باید دریابد، زندگی و درد و رنجش معنا و مفهوم دارد و او مسئول همه‌ی این‌هاست (همان، ص ۱۰-۹). او بر این باور است که انسان با خلق معنا ثابت می‌کند که ارزش و توانایی تحمل رنج‌هایش را دارد و قادر است در مقابل سرنوشتش بایستد و آن را به سمت‌وسوی درستی هدایت کند؛ بنابراین، فرد باید سعی کند نگرش و دید خود را نسبت به اتفاقات و دردها تغییر دهد و باور کند، این ذهن انسان است که رویدادها و حوادث را ناگوار و غیرقابل‌تحمل می‌سازد و یا برعکس، آن‌ها را تنها

مسیرهایی از زندگی بداند که باید از آن‌ها گذر کند (همان، ص ۸۵)؛ زیرا اساساً زندگی به معنای یافتن پاسخی راستین و قطعی به دشواری‌ها و مشکلات و انجام وظایف و مسئولیت‌هایی است که پیشروی هر فرد قرار داده‌شده است؛ بنابراین، هر روز و هر لحظه باید به زندگی جواب پس بدهد (همان، ص ۷۱). وقتی انسان به این نتیجه برسد که سرنوشت او رنج بردن است، خواه‌وناخواه رنج خود را می‌پذیرد و با آن خو می‌گیرد. رنجش را به‌عنوان وظیفه‌ای منحصربه‌فرد قبول می‌کند و همچنین می‌پذیرد که این رنج را باید به‌تنهایی بر دوش بکشد و در پیش بردن آن تک‌وتنهاست؛ بنابراین، رنج پدیده‌ای طبیعی، واقعی و ملموس است و در آن ابهامی وجود ندارد؛ درنتیجه، وظایف و مسئولیت‌هایی که در زندگی وجود دارند، نیز واقعی و ملموس هستند. همین وظایف هستند که سرنوشت آدمی را شکل می‌دهند؛ سرنوشتی که خاص خود اوست (همان، ص ۷۲-۷۱). انسان مسئول انجام رسالتی است که خداوند بر عهده‌ی او گذاشته است و او باید به معنای بالقوه‌ی زندگی و رنج خود فعلیت و تحقق ببخشد (همان، ص ۹۸).

۵-۵- رنج و امیدواری

فرانکل با تجاربی که از اردوگاه کار اجباری به‌دست آورده بود، بر این باور بود، اغلب کسانی که در اردوگاه زندگی می‌کردند، معتقد بودند که فرصت‌های واقعی زندگی را از دست داده‌اند، درصورتی‌که هنوز فرصت‌های فراوانی در زندگی وجود داشت. انسان می‌توانست به استقبال این مبارزات برود و پیروزی درونی را تجربه کند. البته در این میان، برخی از زندانیان خودشان به‌طور غریزی و خودجوش تلاش می‌کردند به هدف متوسل شوند و به زندگی‌شان معنا ببخشند؛ زیرا بشر ذاتاً به امید زنده است و با امید به آینده می‌تواند دوام بیاورد. شاید گاهی آدمی مجبور باشد برای رسیدن به امید، سختی‌ها و فشارهایی را تحمل کند (همان، ص ۶۸). وی گوید: یک روز که در اردوگاه به‌شدت زخمی شده بودم و از درد به خودم می‌پیچیدم و از سویی، در فکر مشکلات بی‌انتهای این زندگی سراسر درد و رنج بودم، همه‌ی تلاشم را به‌کار بردم تا مسیر ذهنی‌ام را به جهتی مثبت و ارزشمند معطوف سازم. ناگهان دریافتم هر آنچه این‌همه سال مرا تحت‌فشار و زجر قرار داده، برایم جنبه‌ی علمی یافته است. این دردها را به صورتی می‌دیدم که گویی مربوط به گذشته‌ها بودند (همان، ص ۶۹). به زندانیان گفتم، درست است که در شرایطی ویژه و بحرانی دست‌وپا می‌زنیم؛ اما هیچ‌گاه نباید دست از مقاومت بکشیم و تسلیم نومیدی شویم. باید همواره روحیه و شهامت خود را حفظ کنیم و هر طور شده، گلیم خود را از آب بیرون بکشیم. باید بدانیم، در این لحظات رنج‌آور و مرگ‌بار ممکن است یک دوست، همسر، یک مرده و یا یک زنده یا خداوند چشم به ما دوخته باشد و هرگز انتظار ندارد ناامیدش کنیم. او نمی‌خواهد ما با فلاکت، بدبختی، عجز و لابه رنج ببریم، بلکه امیدوار است ما با رشته‌ی برافراشته، قامتی راست، مقاوم و پایدار، رنج را به دوش بکشیم (همان، ص ۷۶). سلامت، ثروت، خوشبختی، جایگاه اجتماعی و خانواده، همه چیزهایی هستند که ما بازهم می‌توانیم کسب کنیم. هرچه تاکنون به سرمان آمده است، روزی می‌تواند تجارب سودمندی برایمان تلقی شود. هیچ‌کس نمی‌داند در آینده چه رخ خواهد

داد. حتی یک ثانیه هم در آن قابل‌پیش‌بینی نیست؛ بنابراین، نه بر رفته باید افسوس خورد و نه برنیامده باید بدبین بود (همان، ص ۷۵)؛ به عبارتی، در این دیدگاه فرانکل، امید نیرویی حیاتی در مواجهه با رنج است؛ نیرویی که انسان را از فروپاشی روانی نجات می‌دهد و او را به‌سوی معنا و پیروزی درونی سوق می‌دهد.

۶- سنجش مؤلفه‌های تربیتی مفهوم رنج از دیدگاه فرانکل با آموزه‌های قرآنی و حدیثی

ازآنجاکه آموزه‌های دین اسلام مشتمل بر برنامه‌ی سعادت انسان‌ها در همه‌ی زمان‌ها بوده و هست، درباره‌ی مؤلفه‌های تربیتی مفهوم رنج نیز رهنمودهایی ارائه داده است. در ادامه، به سنجش دیدگاه‌های فرانکل با آیات قرآن کریم و احادیث پرداخته می‌شود.

۶-۱- سنجش مؤلفه‌ی رنج و معناداری

فرانکل بر معناداری رنج تمرکز ویژه‌ای دارد. او بر این باور است که معنا دادن به رنج تحمل آن را آسان‌تر می‌کند و حتی آرامش درونی را به همراه می‌آورد. در آموزه‌های اسلام نیز به رنج معنادار اشاره‌شده است؛ برای مثال، خداوند در سوره‌ی انسان، نمونه‌ای از انفاق ایثارگونه‌ی اهل‌بیت(ع) را بیان می‌کند: «**وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا**» (انسان: ۸). آنان غذای خود را باوجود علاقه‌ای که به آن داشتند، به فقرا و نیازمندان دادند؛ پس رنج گرسنگی را با میل تحمل کردند. ازآنجاکه این رنج معنای ایثار داشت، دیگر برایشان آزاردهنده نبود. بنا بر عقیده‌ی صاحب تفسیر المیزان، ضمیر «علی حبه» در آیه‌ی بالا به طعام برمی‌گردد؛ بنابراین، منظور از حب طعام، اشتیاق آنان به غذا به علت شدت احتیاجشان است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۱۲۶)؛ ازاین‌رو، اطعام کردن آنان ساده نیست، بلکه توأم با ایثار در هنگام نیاز شدید است و از سوی دیگر، اطعامی گسترده است که انواع نیازمندان را از مسکین، یتیم و اسیر را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵، ص ۳۵۲)؛ پس معنای ایثار و رضایت خداوند باعث شد که از این رنج استقبال کنند. از دیگر نمونه‌های رنج معنادار می‌توان به مؤمنانی اشاره کرد که در راه خدا از جان خود می‌گذرند و جهاد فی‌سبیل‌الله را به‌جا می‌آورند. کشته شدن آنان چون در راه خدا و با هدف کسب رضایت خداوند انجام می‌شود، نه‌تنها آن را سخت و آزاردهنده نمی‌دانند، بلکه پیوسته در طلب شهادت هستند. قرآن کریم در وصف آنان می‌فرماید: «**وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ**» (بقره: ۲۰۷). آیه‌ی بالا معرف انسان‌های مخلصی است که همه‌ی هستی خویش را برای کسب رضای حق نثار و ایثار می‌کنند و در خدمت صادقانه به بندگان خدا انگیزه‌ای جز خشنودی او ندارند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۲۴۵)؛ به عبارتی، در مقابل مردمی که خودخواه و معاند بودند، افرادی بودند که تنها با خدا معامله می‌کردند، هرچه داشتند، حتی جان خود را در راه او می‌فروختند و جز رضا و خشنودی او چیزی خریدار نبودند. با فداکاری و ایثار این‌هاست که امر دین و دنیا اصلاح و حق زنده و پایدار می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۹). این آیه درباره‌ی امام علی(ع) نازل‌شده است. هنگامی‌که مشرکان

تصمیم بر قتل پیامبر(ص) داشتند، آن حضرت از مکه خارج شد و به غار ثور پناه برد. در آن شب، امام علی(ع) در بستر پیامبر(ص) خوابید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۸۷)؛ بنابراین، این اقدام حضرت(ع) فوق‌العاده مهم بود و چون معنای جهاد فی‌سبیل‌الله را داشت و برای خشنودی خداوند صورت پذیرفت، برایش معنادار و لذت‌بخش بود. ایشان در روایتی نیز می‌فرمایند: «گرامی‌ترین مرگ‌ها کشته شدن در راه خداست. سوگند به آن کس که جان پسر ابوطالب در دست اوست، هزار ضربت شمشیر بر من آسان‌تر است از مرگ در بستر استراحت» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۳). گذشته از موارد بالا، همان‌طور که فرانکل به معناداری رنج‌ها اشاره کرده است، آموزه‌های اسلام نیز رنج‌های بشر را هدفمند و حکیمانه می‌داند که مطابق با حکمت الهی روی می‌دهند. آزمایش انسان و نزول رحمت الهی، پیامد اعمال و کفاره‌ی گناهان از علل وجود رنج در زندگی انسان‌ها هستند که قرآن کریم به آن‌ها اشاره کرده است. آزمایش انسان مهم‌ترین معنای رنج در آموزه‌های اسلام است. گاهی خداوند با هدف آزمایش، انسان را گرفتار مصیبت‌ها می‌کند. همان‌طور که در قرآن کریم به آن اشاره‌شده است: «**وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ**» (بقره: ۱۵۷- ۱۵۵)، خداوند آدمی را با گرسنگی، ترس، فقر و بیماری آزمایش می‌کند و درنهایت، با پذیرش معنای آن و صبر بر ناملایمات، رحمت و صلوات خویش را بر آنان ریزان می‌گرداند؛ یا در سوره‌ی انبیا، از آزمایش به خیر و شر سخن به میان آمده است: «**كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ**» (انبیاء: ۳۵). علامه طباطبایی(ره) در تفسیر آیه‌ی بالا، بر این باور است که خداوند انسان را به آنچه از آن کراهت دارد؛ از قبیل بیماری، فقر و امثال آن، می‌آزماید و سپس به‌سوی خود بازگشت می‌دهد. بنا بر عقیده‌ی ایشان، خداوند در این آیه، به علت حتمی بودن مرگ نیز اشاره کرده و آن این است که زندگی هر کسی حیاتی امتحانی و آزمایشی است و بعد از هر امتحانی، موقفی است که در آن موقف، نتیجه‌ی امتحان مشخص می‌گردد؛ ازاین‌رو، هر صاحب زندگی‌ای مرگی حتمی دارد و به‌سوی خداوند بازمی‌گردد تا درباره‌اش داوری شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۸۸). گاهی هم این ابتلا در اموال و جان انسان‌ها صورت می‌گیرد: «**لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ**» (آل‌عمران: ۱۸۶). دنیا سرای رنج، ابتلا و آزمایش است. رنج‌ها و سختی‌ها به انسان روی می‌آورد، اموال او را نابود و جانش را با قتل و مصیبت مواجه می‌کند، همچنان که در جنگ احد، شماری از مؤمنان به قتل رسیدند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۹۰۳؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۵۸). در روایات اهل‌بیت(ع) نیز، به آزمایش انسان از طریق بلا و نقمت اشاره‌شده است. حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «سوگند به خدایی که پیامبر(ص) را به حق مبعوث کرد، سخت آزمایش می‌شوید؛ چون دانه‌ای که در غربال ریزند یا غذایی که در دیگ گذارند، به‌هم خواهید ریخت، زیرورو خواهید شد تا آنکه پایین به بالا و بالا به پایین رود» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۶). از مهم‌ترین ابزارهای آزمایش انسان می‌توان به اموال و فرزندان اشاره کرد که آیات قرآن کریم صراحتاً آن را بیان نموده‌اند: «**وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ**» (انفال: ۲۸)؛ «**لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ**» (آل‌عمران: ۱۸۶). علاقه به

مـال و فرزنـد از محورهـای اساسـی لغـزش انسـان به‌شـمار می‌رونـد؛ ازایـن‌رو، آدمـی از ایـن دو مسـیر آزمایـش می‌شـود. فقـر و تنـگ شـدن روزی نیـز از دیگـر ابزارهـای آزمایـش انسـان اسـت کـه خداونـد در آیـات قـرآن آن را بیـان کـرده اسـت: «**وَأَمَّـا إِذا مَـا ابتَـلاهُ فَقَـدَرَ عَلَيـهِ رِزْقَـهُ فَيَقُـولُ رَبّـي اهانَـن**» (فجـر: ۱۶)؛ بنابرایـن، ابتـلای انسـان بـا ابزارهـای مختلـف از سـنت‌های قطعـی پـروردگار اسـت. همـه‌ی انسـان‌ها بلااسـتثنا آزمایـش می‌شـوند. آیـات «**وَنَبْلُوكُـمْ بِالـشَّرِّ وَالْخَيـرِ فِتْنَـةً وَإِلَينَـا تُرْجَعُونَ**» (انبیـاء: ۳۵) و «**أَحَسِـبَ النَّـاسُ أَنْ يتْرَكُـوا أَنْ يقُولُـوا آمَنَّـا وَهُـمْ لَا يفْتَنُـونَ**» (عنکبـوت: ۲)، بیان‌کننـده‌ی ایـن حقیقـت هسـتند؛ ازایـن‌رو، بـا توجـه بـه آنچـه ذکـر شـد، در سـنجش دیـدگاه فرانـکل بـا آموزه‌هـای اسـلام در مفهـوم رنـج و معنـاداری بایـد بیـان داشـت: آموزه‌هـای اسـلام به‌ویـژه آیـات قـرآن کریـم، رنجـی را کـه در مسـیر ایثـار، انفـاق و جهـاد در راه خـدا تحمـل می‌شـود، نه‌تنهـا تأییـد می‌کننـد، بلکـه آن را نشـانه‌ای از ایـمان، اخـلاص و قـرب الهـی می‌داننـد. در ایـن زمینـه، دیـدگاه فرانـکل تـا حـدی بـا آموزه‌هـای اسـلام تطبیـق دارد و موردتأییـد اسـت. او نیـز رنـج را جزئـی جدایی‌ناپذیـر از زندگـی می‌دانـد و معتقـد اسـت کـه اگـر رنـج بـا معنایـی چـون فـداکاری و ایثـار همـراه شـود، دیگـر آزاردهنـده نیسـت و حتـی می‌توانـد منبـع آرامـش درونـی باشـد. ایـن نـگاه بـا آموزه‌هـای اسـلام دربـاره‌ی انفـاق، ایثـار و جهـاد همسـو اسـت.

۶-۲- سنجش مؤلفه رنج و تعالی دنیوی

فرانـکل رنج‌هـای معنـادار را سـبب پیشرفـت و تعالـی دانسـته و در آموزه‌هـای اسـلام، پیشرفـت بـا رنـج در پرتـو آزمایـش و ابتـلای انسـان مطرح‌شـده اسـت؛ بـرای مثـال، خداونـد در آیـه‌ی «**وَلَنَبْلُوَنَّكُـمْ بِشَـيءٍ مِـنَ الْخَـوْفِ وَالْجُـوعِ وَنَقْـصٍ مِـنَ الْأَمْـوَالِ وَالْأَنْفُـسِ وَالثَّمَـرَاتِ وَبَـشِّرِ الصَّابِرِيـنَ**» (بقـره: ۱۵۵)، بـه آزمایـش انسـان از طریـق تـرس، فقـر، کاهـش در امـوال و انفـس اشـاره می‌کنـد؛ امـا درنهایـت، خداونـد به‌واسـطه‌ی صبـر آزمایش‌شـوندگان، بـه آنـان پـاداش عظیـم خواهـد داد. در آیـه‌ی «**أُولَئِـک عَلَيهِـمْ صَلَـوَاتٌ مِـنْ رَبِّهِـمْ وَرَحْمَـةٌ وَأُولَئِـک هُـمُ الْمُهْتَـدُونَ**» (بقـره: ۱۵۷) نیـز، بـه ایـن پـاداش اشاره‌شـده اسـت. بنـا بـر عقیـده‌ی برخـی از تفسـیرپژوهان، مقصـود از صلـوات در آیـه‌ی ذکرشـده، جمیـع خیـرات دنیـوی و اخـروی و اهتـداء بـه معنـی قبـول هدایـت اسـت؛ ازایـن‌رو، صابـر به‌واسـطه‌ی صبـر، خـود را قابـل رحمـت خداونـد کـرده اسـت، بنابرایـن، جمیـع نعمت‌هـای دینـی ماننـد ایـمان و تقـوی، نعمت‌هـای دنیـوی همچـون اطمینـان نفـس و نداشـتن تشـویش خاطـر و نعمت‌هـای اخـروی کـه بهشـت، روح و ریحـان باشـد، پـاداش صبـر آن‌هـا خواهـد بـود (طیـب، ۱۳۶۹، ص ۲۶۲-۲۶۱). در برخـی دیگـر از آیـات، خداونـد بـه مؤمنینـی کـه در برابـر مصائـب دنیـا به‌ویـژه در مقابـل اذیت‌هـای اهـل کفـر و فسـق شـکیبایی می‌کننـد، حسـنه در دنیـا و آخـرت را می‌دهـد: «**قُـلْ يـا عِبَـادِ الَّذِيـنَ آمَنُـوا اتَّقُـوا رَبَّكُـمْ لِلَّذِيـنَ أَحْسَـنُوا فِـي هَـٰذِهِ الدُّنْيـا حَسَـنَةٌ وَأَرْضُ اللَّـهِ وَاسِـعَةٌ إِنَّمَـا يوَفَّـى الصَّابِـرُونَ أَجْرَهُـمْ بِغَيـرِ حِسَـابٍ**» (زمـر: ۱۰). برخـی از مفسـران مقصـود از حسـنه‌ی ذکرشـده در آیـه را صحـت، عافیـت و سـلامتی دانسـته‌اند (طوسـی، بی‌تـا، ج ۹، ص ۱۳؛ زمخشـری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۱۷؛ طـبری، ۱۴۱۲، ج ۲۳، ص ۱۳۰). برخـی دیگـر عـلاوه بـر مـوارد یادشـده، سـتایش نیکـو و ذکـر جمیـل را نیـز اضافـه کرده‌انـد (طبرسـی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۶۷) و برخـی همچـون علامـه طباطبایـی حسـنه‌ی ذکرشـده در دنیـا را مـواردی چـون طیـب نفـس، سـلامت روح و محفـوظ بـودن جان‌هـا از آنچـه

دل‌های کفار بدان مبتلا است، دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۲۴۴). از دیگر پاداش دنیوی رنج‌ها می‌توان به آمرزش گناهان اشاره کرد. امام صادق(ع) در روایتی می‌فرماید: «مؤمن را هیچ رنج، بیماری، اندوه و حتی نگرانی‌ای نرسد، مگر آنکه خداوند بدان وسیله گناهان او را بپوشاند» (ابن‌شعبه، ۱۳۶۳، ص ۳۸)؛ بنابراین، آمرزش گناهان به‌وسیله‌ی رنج، بیماری و اندوه نمونه‌ای از تعالی با رنج در دنیاست. از نمونه‌های دیگر پیشرفت با رنج در دنیا می‌توان به برتری برخی از پیامبران به برخی دیگر و بالا بردن درجات آنان از سوی خداوند اشاره کرد: «**تِلْکَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَی بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ کَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ**» (بقره: ۲۵۳). علت فضیلت و برتری برخی از پیامبران بر برخی دیگر انجام دادن تکالیف، فرمان‌بری ایشان و صدمات و زحماتی است که در دنیا از مردم در راه تبلیغ دین متحمل شدند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۲۳)؛ بنابراین، با رنج و مصیبت‌هایی که در راه تبلیغ دین متحمل شدند، موجبات تعالی و ترفیع درجه‌ی خود را در دنیا فراهم آوردند. در روایتی از حضرت رسول(ص) نیز نقل‌شده است که خطاب به امام علی(ع) فرمودند: «خداوند متعال پیامبران مرسل خود را بر فرشتگان مقربش برتری داده و مرا بر همه‌ی پیغمبران و مرسلین فضیلت داده است» (ابن‌بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۳۷). علت برتری آن حضرت(ص) بر سایر انبیاء مصیبت‌ها، بلاها و آزمایش‌هایی است که به‌خوبی از عهده‌ی آنان برآمد. امام صادق(ع) نیز در روایتی، درباره‌ی سختی بلاها و آزمایش‌های پیامبران(ع) می‌فرماید: «سخت‌ترین بلاها و آزمایش‌ها را پیامبران از سر می‌گذرانند؛ پس از آنان، جانشینان و پیروانشان و سپس به‌ترتیب کسانی که نزد خدا مقامی ارجمندتر دارند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۵۲)؛ ازاین‌رو، انبیاء پس از صبر و استقامت بر بلایا، مشمول ترفیع درجه و مقام می‌شوند، چنان‌که حضرت علی(ع) دراین‌باره می‌فرماید: «بلا برای ظالم ادب نمودن و تنبیه کردن است، برای مؤمن امتحان است، برای انبیاء درجه است و برای اولیا کرامت» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۲۳۵). از سوی دیگر، همان‌طور که فرانکل رنج‌های بشر را فرصتی برای رسیدن به کمال و ارزش‌های اخلاقی می‌داند، خداوند نیز در سوره‌ی انشراح، «**فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرًا، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرًا**» (انشراح: ۶-۵)، تأکید می‌کند که تحمل سختی‌ها آسانی و آسایش را به همراه می‌آورد. برای رشد و پیشرفت باید از این مسیرها عبور کرد. گرسنگی، ترس، تلفات مالی و جانی شدائدی است که موجب تکمیل نفوس و پرورش استعدادهای عالی انسانی می‌شود، همان‌طور که امام علی(ع) می‌فرماید: «بدانید آن درخت که در بیابان‌ها پرورش‌یافته، چوبی سخت‌تر دارد و بوته‌های سرسبز و لطیف، پوستی بس نازک. آری، درختان بیابانی را به هنگام سوختن، شعله نیرومندتر و آتش بیشتر دارد» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۵)؛ بنابراین، در سنجش دیدگاه فرانکل با آموزه‌های اسلام در مؤلفه‌ی رنج و تعالی دنیوی باید بیان داشت: آموزه‌های اسلام در مؤلفه‌ی رنج و تعالی دنیوی، رنج را نه‌تنها بخش طبیعی از زندگی انسان، بلکه بستری برای رشد، تعالی و دریافت پاداش‌های دنیوی و اخروی می‌داند. دیدگاه فرانکل نیز در این مؤلفه با آموزه‌های اسلامی تطبیق دارد. او رنج را عامل رشد، بلوغ و تعالی انسان می‌داند و معتقد است که رنج‌های وجودی، انسان را از دل‌مردگی حفظ می‌کنند و موجب پختگی و غنای درونی می‌شوند. این نگاه، با تأکید اسلام بر صبر، ابتلا و پاداش در مسیر سختی‌ها قابل‌تطبیق و قابل‌تأیید است.

۶-۳- سنجش مؤلفه‌ی رنج و رستگاری اخروی

فرانکل به رستگاری انسان به‌وسیله‌ی رنج در دنیای دیگر و سرای آخرت توجه می‌کند که انسان پاداش نهایی رنج‌های خود را در آنجا دریافت می‌نماید.

جهان آخرت که فرانکل از آن صحبت کرده است، در بیش از دو هزار آیه‌ی قرآن کریم معرفی‌شده است. خداوند در وصف آن می‌فرماید: «**وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيرٌ**» (یوسف: ۱۰۹)؛ «**إِنَّمَا هَٰذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ**» (غافر: ۳۹). آخرت سرای استقرار، پایداری و ابدیت است؛ زیرا آن جاودانه و دائمی است، دنیا فانی و نابود می‌شود؛ اما آخرت پایدار است. مسلماً آنچه پایداری دارد، از آنچه فانی است، بهتر است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۵۱۸). بر اساس فرهنگ قرآن و عترت، رنج و سختی‌هایی که انسان در دنیا تحمل می‌کند، در زندگی آخرت اجر و پاداش دارد: «**وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ**» (نحل: ۴۱). بنا بر عقیده‌ی برخی از تفسیرپژوهان، خداوند در این آیه به کسانی که در دنیا ستم دیده‌اند، وعده‌ی زیبایی می‌دهد که پاداش دنیای دیگر بهتر است. اجر اخروی از اجر دنیوی بهتر است؛ زیرا در آخرت، سعادت آمیخته با بدبختی نیست، بلکه خلودی است که فنا در آن راه ندارد و کام و لذتش با ناکامی توأم نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۵۵؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۱۲۷). حضرت یوسف(ع) نیز از کسانی بود که در دنیا در برابر مشکلات و رنج‌های بسیاری چون حسادت برادران و انداختنش به چاه، فروختنش در بازار بردگان، کار کردنش برای عزیز، متهم شدن به خیانت، زندانی شدن با تحقیر و ذلت از سوی همسر عزیز و... شکیبایی کرد، درحالی‌که استقامت او همراه با توکل بر خداوند بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۲۰۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۳۳۲)؛ ازاین‌رو، خداوند در دنیا به او مقام و عزت داد؛ اما به دریافت پاداش نهایی رنج‌های وی در آخرت تأکید کرد: «**وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ**» (یوسف: ۵۷)؛ بنابراین، خداوند در روز قیامت، ثواب‌ها و درجاتی بیشتر و بهتر از نعمت و سلطنت دنیا به حضرت یوسف(ع) عطا خواهد کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۷۲). روایات اهل‌بیت(ع) نیز به پاداش اخروی رنج‌های انسان اشاره کرده‌اند. امام هادی(ع) در روایتی می‌فرماید: «خداوند دنیا را سرای بلا و آزمایش و آخرت را سرای ابدی قرار داده است. گرفتاری دنیا را سبب پاداش آخرت ساخته و ثواب آخرت را عوض بلای دنیا قرار داده است» (ابن‌شعبه، ۱۳۶۳، ص ۴۸۳)؛ یا در روایت دیگری از امام صادق(ع) نقل‌شده است: «در بهشت درجه‌ای است که تنها با صبر کردن بر مریضی‌های جسمی می‌توان به آن درجه رسید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۵۵؛ وافی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۷۷۰)؛ بنابراین، بهشت یکی از پاداش‌هایی است که انسان در برابر رنج دنیوی خود در سرای آخرت به آن می‌رسد. از دیگر کسانی که خداوند به آنان بشارت دریافت پاداش اخروی در برابر مصیبت‌هایشان را داده است، مجاهدانی است که همراه پیامبران در کارزار جنگ شرکت کردند، هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به ایشان رسید، سستی نورزیدند، ناتوان نشدند و تسلیم دشمن نگردیدند: «**فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ**» (آل‌عمران: ۱۴۸). تعبیر به «حسن ثواب» مخصوص جزای آخرت شد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۷۱۳-۷۱۱)؛ بنابراین، از مجموع آنچه بیان شد، در سنجش دیدگاه فرانکل با آموزه‌های

اسلام در مؤلفه‌ی رنج و رستگاری اخروی باید بیان داشت که در آموزه‌های اسلام، جهان آخرت سرای جاودانه، حقیقی و پاداش‌دهنده‌ای است که در آن، رنج‌ها و سختی‌های تحمل‌شده در دنیا بی‌پاسخ نمی‌مانند. نمونه‌هایی چون حضرت یوسف(ع) که پس از تحمل رنج‌های فراوان، وعده دریافت، درجات بالاتر در آخرت را دریافت می‌کند؛ یا روایت امام هادی(ع) که ثواب آخرت را عوض بلای دنیا می‌داند، همگی نشان‌دهنده‌ی آن هستند که رنج در دنیا زمینه‌ساز رستگاری در آخرت است. دیدگاه فرانکل نیز در این مؤلفه با آموزه‌های اسلامی تطبیق دارد. او معتقد است که جهانی ماورای جهان انسانی وجود دارد که به رنج‌های بشر پاسخ نهایی خواهد داد. این نگاه با تأکید اسلام بر پاداش اخروی برای صابران، مجاهدان و مبتلایان قابل‌تأیید است. در حقیقت، آموزه‌های اسلام این نظر فرانکل را تأیید می‌کند.

۶-۴- سنجش مؤلفه‌ی رنج و مسئولیت‌پذیری

در این بخش، دیدگاه فرانکل و آموزه‌های قرآنی و حدیثی در دو محور مجزا، مبانی مسئولیت و مصادیق عملی و کارکردهای تربیتی، مقایسه می‌شوند:

۶-۴-۱- سنجش در سطح مبانی مسئولیت‌پذیری

در منظومه‌ی فکری فرانکل، «معنایابی وجودی» انسان مبنای مسئولیت است. مسئولیت در آزادی و توانایی ذاتی انسان برای یافتن معنا حتی در سخت‌ترین شرایط ریشه دارد. انسان در برابر زندگی و رنج‌هایش مسئول است؛ زیرا تنها او می‌تواند معنای منحصربه‌فرد هستی خود را بیافریند و محقق کند.

بنا بر دیدگاه اسلام نیز، انسان در برابر رنج خود مکلف به انجام وظایف و مسئولیت‌هایی است. خاستگاه این تکلیف فرمان الهی و موقعیت انسان به‌عنوان عبد (بنده) در برابر خداوند به‌عنوان رب (پروردگار) است. این رابطه اساساً تکلیف‌محور است: خداوند حق امر و نهی دارد و انسان موظف به اطاعت؛ بنابراین، مسئولیت در برابر رنج، نه یک انتخاب فلسفی برای معناسازی، بلکه پاسخ عملی به یک فراخوان دینی و انجام‌وظیفه در قالب رابطه‌ی «رب و عبد» است.

۶-۴-۲- سنجش در سطح مصادیق و کارکردهای تربیتی

این مبانی متفاوت به مصادیق عملی و کارکردهای تربیتی متمایزی در دو دیدگاه منجر می‌شود: مسئولیت‌پذیری در دیدگاه فرانکل، مصداق عینی جز «معنایابی فعالانه» ندارد. کارکرد تربیتی آن پرورش فردی است که جسورانه بار مسئولیت شخصی خویش را در قبال معنابخشی به زندگی حتی در رنج، بر دوش می‌کشد؛ اما در آموزه‌های اسلام بر مبنای رابطه‌ی تکلیف‌محور بندگی، وظایف عملی مشخصی به‌عنوان مصادیق عینی مسئولیت‌پذیری تعریف شده‌اند که هر یک کارکرد تربیتی ویژه‌ای دارد.

۶-۴-۲-۱- صبر و شکیبایی به‌عنوان یک مصداق مسئولیت

الف. مبنای تکلیفی و الهیاتی صبر: در منظومه‌ی اسلام، صبر در برابر رنج یک تکلیف شرعی صریح است. این مبنای عملی مستند به فرمان مستقیم الهی است: «**وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ**» (لقمان: ۱۷). مفسران دامنه‌ی این امر را شامل همه‌ی مصائب و آسیب‌های وارده بر انسان، از بیماری و سختی تا دیگر ناملایمات زندگی می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۰۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۲۱۸). بر اساس این، صبر به‌مثابه تحمل آگاهانه و مبتنی بر فرمان در برابر هر آنچه موجب الم و غم می‌گردد، تعریف می‌شود (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۱۰۹). نقطه‌ی ثقل در اینجا وجوب شرعی و تکلیف‌محور بودن عمل صبر است.

ب. کارکرد تربیتی ناشی از این مبنا: پذیرش این تکلیف و عمل بر مبنای آن کارکرد تربیتی متمایزی ایجاد می‌کند. کارکرد تربیتی صبر تبدیل موقعیت روانی فرد از حالت «قربانی منفعل» یک حادثه‌ی تحمیلی، به «کنشگر فعال» در یک موقعیت اختیاری و ارزش‌آفرین است. این تحول به فرد می‌آموزد که چگونه می‌توان در عین حفظ آرامش درونی، با اتکا به یک الزام فراتر از خود (تکلیف الهی)، با امید و استقامت مسیر زندگی را ادامه داد؛ به‌بیان‌دیگر، صبر مبتنی بر مبانی دینی، تاب‌آوری را از یک راهبُرد روان‌شناختی به یک فضیلت اخلاقی - عبادی ارتقا می‌دهد.

۶-۴-۲-۲- دعا و استعانت به‌عنوان مصداق مسئولیت و تکلیف

الف. مبنای تکلیفی و الهیاتی دعا: در نظام تربیتی اسلام، دعا و استعانت از خداوند در مواجهه با رنج، یک وظیفه و تکلیف شرعی و همچنین حقی برای بنده به‌شمار می‌رود. این مبنا در آیاتی مانند «**أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ**» (نمل: ۶۲) ریشه دارد که بر مسئولیت خداوند در اجابت دعای درماندگان تأکید می‌کند. روایاتی همچون فرمایش امام صادق(ع) که دعا را «کلید هر رحمت و وسیله‌ی رسیدن به هر حاجت» می‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۶۸)، بر این حقّیت و تأکید تکلیفی صحه می‌گذارند. بر اساس دیدگاه مفسران، حالت «اضطرار» (که بیماری، فقر یا مصیبت ایجاد می‌کند) باعث می‌شود، دعا از حقیقت و جدیت برخوردار گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۳۸۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۹۷). شرط اساسی این تکلیف، اخلاص و روی آوردن حقیقی به خداوند و نه اتکای ظاهری و قلبی به اسباب مادی است؛ بنابراین، دعا در این نگاه، پیش از هر چیز، یک رکن ارتباطی تعریف‌شده در رابطه‌ی «رب و عبد» است.

ب. کارکرد تربیتی ناشی از این مبنا: عمل به این تکلیف و باورمندی به این حق موجب کارکرد تربیتی عمیقی می‌شود. کارکرد تربیتی دعا تبدیل رابطه‌ی انسان با مشکل از حالت «تقلا و درماندگی فردی» به «مکالمه و استمداد از منبعی نامتناهی» است. این عمل به‌طور عینی، رابطه‌ی وجودی و قلبی متربی با خداوند را به‌عنوان پناهگاه نهایی تقویت می‌کند. در فرایند تربیت، این کارکرد به پرورش احساس تواضع و وابستگی مثبت (به‌جای احساس قربانی کردن)، تبدیل اضطراب و بی‌تابی به امیدواری و آرامش مبتنی بر اتکا و درنهایت، تحکیم هویت «بندگی» در فرد می‌انجامد؛ به‌عبارت‌دیگر، دعا مهارتی تربیتی است که تمرکز را از بن‌بست مشکل به‌سوی

گشـایش بخـش رابطـه‌ی بـا خـدا معطـوف می‌سـازد.

۶-۴-۲-۳- توکل و تقوا به‌عنوان مصادیق مسئولیت

الـف. مبنـای تکلیفـی و الهیاتـی تـوکل و تقـوا: در نظـام اسـلام، تـوکل (اعتـماد بـه خـدا) و تقـوا (پـروای از خـدا) دو تکلیـف بنیادیـن و شرط اساسـی در رابطـه‌ی انسـان بـا پـروردگار، به‌ویـژه در مواجهـه بـا رنـج به‌شـمار می‌رونـد. ایـن مبنـا مسـتند بـه وعـده‌ی صریـح الهـی در آیـات سـوره‌ی طـلاق اسـت: «**وَمَـنْ يتَّـقِ اللَّـهَ يجْعَـلْ لَـهُ مَخْرَجًـا... وَمَـنْ يتَـوَكَّلْ عَلَـى اللَّـهِ فَهُـوَ حَسْـبُه**» (طـلاق: ۲-۳). بـر اسـاس تفسـیر مذکـور، تقـوای حقیقـی و تـوکل راسـتین پیـمان و عهـدی دوطرفـه میـان بنـده و خداونـد قائـم می‌کننـد کـه بـر اسـاس آن، خداونـد متعهـد بـه سرپرسـتی (ولایـت)، گشایشـگری و روزی‌رسـانی بـه بنـده متـوکل و متقـی می‌گـردد (طباطبایـی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۳۱۵-۳۱۴). روایـات اهل‌بیـت(ع) نیـز بـر ایـن تکلیـف و توصیـه مؤکـد صحـه می‌گذارنـد (تمیمـی آمـدی، ۱۴۱۰، ص ۶۵۶ و ۶۴۲). از ایـن دیـدگاه، تـوکل و تقـوا صرفـاً یـک حالـت قلبـی نیسـتند، بلکـه شـیوه‌ای از بـودن و تعامـل مبتنـی بـر عهـد الهـی هسـتند.

ب. کارکـرد تربیتـی ناشـی از ایـن مبنـا: عمـل بـه ایـن تکالیـف و اسـتقرار در ایـن عهـد کارکـرد تربیتـی متمایـز و قدرتمنـدی ایجـاد می‌کنـد. کارکـرد تربیتـی تـوکل و تقـوا ایجـاد یـک چارچـوب امـن روانـی-وجـودی از طریـق جایگزیـن کـردن «تکیـه‌گاه متزلـزل درون‌جهانـی» (اسـباب مـادی و محاسـبات شـخصی) بـا «تکیـه‌گاه ثابـت فرا-جهانـی» (قـدرت و حکمـت الهـی) اسـت. ایـن جایگزینـی به‌طـور عینـی، بـه ایجـاد امنیـت روانـی عمیـق و رهایـی از اضطـراب ناشـی از محدودیت‌هـا منجـر می‌شـود. در فراینـد تربیـت، ایـن کارکـرد سـبب پـرورش حالـت درونـی «بی‌نیـازی» (اسـتغنا) می‌گـردد کـه فـرد را از دام درماندگـی و احسـاس قربانـی بـودن رهـا می‌سـازد. مهم‌تـر آنکـه ایـن امنیـت و بی‌نیـازی بـه جهت‌دهـی و توانمندسـازی تـلاش فـردی منجـر می‌شـود؛ زیـرا انـرژی ذهنـی فـرد دیگـر صرف هـراس از ناکامـی نمی‌گـردد، بلکـه معطـوف بـه عمـل تـوأم بـا اعتـماد می‌شـود؛ به‌بیان‌دیگـر، تـوکل و تقـوا فـرد را از یـک «کنشـگر مضطـرب» بـه یـک «کنشـگر امیـدوار و متمرکـز» تبدیـل می‌کنـد.

از مجمـوع آنچـه ذکـر شـد، در سـنجش دیـدگاه فرانـکل بـا آموزه‌هـای اسـلام در مؤلفـه‌ی رنـج و مسـئولیت‌پذیری، پاسـخ بـه پرسـش‌محوری «ماهیـت اختـلاف ایـن دو دیـدگاه» به‌وضـوح مشـخص می‌گـردد: ایـن اختـلاف در درجـه‌ی اول یـک اختـلاف مبنایـی (هستی‌شـناختی و الهیاتـی) اسـت و نـه صرفـاً یـک تفـاوت در کارکـرد تربیتـی. هـر دو دیـدگاه انسـان را در برابـر رنـج مسـئول می‌داننـد و ایـن اشـتراک، بـه کارکـرد تربیتـی مشـترکی ماننـد پـرورش روحیـه‌ی تعهـد و تـاب‌آوری می‌انجامـد. بااین‌حـال، خاسـتگاه ایـن مسـئولیت‌پذیری در دو منظومـه از بنیادهایـی جداگانـه و غیرقابل‌تقلیـل بـه یکدیگـر سرچشـمه می‌گیـرد. در منظومـه‌ی فکـری فرانـکل، «معنایابـی وجـودی» انسـان مبنـای مسـئولیت اسـت کـه در یـک انسان‌شناسـی سـکولار و اگزیستانسـیال ریشـه دارد. مسـئولیت از آزادی و توانایـی ذاتـی انسـان بـرای آفرینـش معنـا نشـئت می‌گیـرد. در آموزه‌هـای اسـلامی، «بندگـی و اطاعـت از خداونـد» مبنـای مسـئولیت اسـت کـه در یـک الهیـات توحیـدی و رابطـه‌ی تکلیف‌محـور «رب و عبـد» ریشـه دارد. مسـئولیت از فرمـان الهـی و موقعیـت انسـان به‌عنـوان بنـده ناشـی می‌شـود؛ درنتیجـه، ایـن دو بنیـاد

کامـلاً متمایـز، به‌صـورت طبیعـی و منطقـی بـه دو سـامانه‌ی کارکـردی متفـاوت منجـر می‌گردنـد. در دیـدگاه فرانـکل، کارکـرد تربیتـی در پـرورش فـرد معناسـاز و متکی‌به‌خـود خلاصـه می‌شـود. در دیـدگاه اسـلامی، کارکـرد تربیتـی در هدایـت فـرد به‌سـوی انجـام تکالیـف عینـی و رابطه‌سـاز باخـدا (ماننـد صـبر، دعـا، تـوکل) تجلـی می‌یابـد؛ بنابرایـن، می‌تـوان تأکیـد کـرد کـه وجـه افـتراق اصلـی، پیـش و بیـش از هـر چیـز، مربـوط بـه مبانـی اسـت. تفـاوت در کارکردهـای تربیتـی آشـکار و مهـم اسـت؛ امـا پیامـد و نمـود آن تفـاوت مبنایـی بنیادیـن به‌شـمار مـی‌رود. ایـن تحلیـل روشـن می‌سـازد کـه نقـد دیـدگاه فرانـکل از دیـدگاه اسـلامی، نـه یـک نقـد صرفـاً «روش‌محـور» یـا «کارکردمحـور» کـه یـک نقـد «مبنـا محـور» و معطـوف بـه هستی‌شناسـی و خداشناسـی متفـاوت اسـت. هـر دو الگـو در پـی پـرورش انسـانی فعـال در برابـر رنـج هسـتند؛ امـا نقشـه‌ی راه و چراغ‌راهنـمای ایـن مسـیر در آن‌هـا از دو جنـس متفـاوت اسـت.

۶-۵- سنجش مؤلفه‌ی رنج و امیدواری

در ایـن بخـش، دیـدگاه فرانـکل و آموزه‌هـای قرآنـی و حدیثـی در دو محـور مجـزا، مبانـی امیـدواری و مصادیـق عملـی و کارکردهـای تربیتـی، مقایسـه می‌شـوند.

۶-۵-۱- سنجش در سطح مبانی امیدواری

در لوگوتراپـی ویکتـور فرانـکل، امیـد سـازوکاری روان‌شـناختی معطـوف بـه آینـده و معناسـاز اسـت. مبنـای فلسـفی آن بـر آزادی وجـودی انسـان و توانایـی ذاتـی او بـرای یافـتن معنـا حتـی در سـخت‌ترین شرایـط (ماننـد اردوگاه کار اجبـاری) اسـتوار اسـت. امیـد موتـور محـرک «اراده‌ی معطـوف بـه معنـا» اسـت و از ایـن بـاور سرچشـمه می‌گیـرد کـه زندگـی همـواره بالقـوه معنـادار اسـت. ایـن امیـد می‌توانـد متوجـه یـک دسـتاورد، یـک ارتبـاط یـا یـک مفهـوم انتزاعـی باشـد و محتـوای آن از سـوی فـرد انتخـاب می‌شـود. در انسان‌شناسـی اسـلامی، امیـد (رجـا) وظیفـه‌ای دینـی، سـتونی از ارکان ایـمان و نشـانه‌ی شـناخت صحیـح پـروردگار اسـت. مبنـای کلامـی آن توحیـد و ایـمان بـه وعده‌هـای قطعـی الهـی (ماننـد رحمـت بیکـران، نـصرت مؤمنـان و گشـایش پـس از سـختی) اسـت. ایـن امیـد در بـاور بـه صفـات الهـی (قـدرت مطلـق، حکمـت و رحمـت واسـعه‌ی او) ریشـه دارد. در ایـن منظومـه، یـأس و ناامیـدی از رحمـت خـدا نه‌تنهـا یـک حالـت روانـی منفـی، بلکـه نشـانه‌ی کفـر و از گناهـان کبیـره تلقـی می‌گـردد؛ بنابرایـن، امیـدوار بـودن خـود عبادتـی اسـت کـه از رابطـه‌ی «رب و عبـد» نشـئت می‌گیـرد.

۶-۵-۲- سنجش در سطح کارکردهای تربیتی امیدواری

ایـن مبانـی متفـاوت بـه تجلیـات عینـی و کارکردهـای تربیتـی متمایـزی در دو دیـدگاه منجـر می‌شـود. در دیـدگاه فرانـکل، امیـد در تجربـه‌ی زیسـته‌ی مقاومـت و معنایابـی فعالانـه تجلـی می‌یابـد، آن‌گونـه کـه فرانـکل در اردوگاه کار اجبـاری توصیـف می‌کنـد. او بـا تبدیـل رنـج بـه موضوعـی بـرای مشـاهده‌ی علمـی و معطـوف کـردن ذهـن بـه جهـت مثبـت نشـان می‌دهـد کـه امیـد چگونـه می‌توانـد حتـی در مـرز مـرگ، یـک «پیـروزی درونـی» ایجـاد کنـد. کارکـرد تربیتـی ایـن نـگاه نجـات فـرد از فروپاشـی روانـی، تقویـت

تاب‌آوری، حفظ شهامت و روحیه و سوق دادن انسان به ادامه‌ی حیات از طریق جست‌وجوی معنا در آینده است. امید در اینجا یک نیروی حیاتی روان‌شناختی است. آموزه‌های اسلامی مصادیق و وعده‌های امیدبخش مشخصی را ارائه می‌دهد که هر یک کارکرد تربیتی ویژه‌ای دارند.

۶-۵-۲-۱- وعده‌ی پیروزی و برتری مؤمنان در بحران

الف. مبنای الهیاتی و اعتقادی: این مصداق امید بر وعده‌ای تکوینی و قطعی الهی استوار است که در بستر تاریخی جنگ احد، در آیه‌ی «**وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**» (آل‌عمران: ۱۳۹) تجلی‌یافته است. محتوای این آیه اصلی کلی و فراتاریخی را اعلام می‌کند: برتری نهایی و غلبه از آن مؤمنان است، مشروط به حفظ ایمان. برخی از مفسران بر این امر تأکید دارند که نزول این آیه در آن بستر، نه صرفاً برای دلداری احساسی، بلکه برای اعلام و تأکید بر همین اصل تکوینی و زدودن وهن ناشی از ظواهر شکست بود. این یک سنت الهی و حقیقت خارجی است که مستقل از شرایط روانی افراد جاری است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۵۹۷).

ب. کارکرد تربیتی ناشی از این مبنا: باورمندی به این اصل تکوینی کارکرد تربیتی متمایزی ایجاد می‌کند. کارکرد تربیتی این وعده تبدیل «منبع امید» از شرایط متغیر روانی و ظواهر شکست‌خورده‌ی میدان نبرد، به یک «حقیقت ثابت و فراجهانی» است. این تبدیل به‌طور عینی احساس شکست، وهن و سستی را می‌زداید و آن را با روحیه‌ی مقاومت، پایداری و تکلیف‌محوری جایگزین می‌سازد. متربی برآمده از این باور نه برای رهایی از رنج شخصی، بلکه برای تحقق وعده‌ی الهی و ایفای نقش در این سنت ربانی، مقاومت و امیدوار می‌ماند.

۶-۵-۲-۲- سنت الهی گشایش پس از سختی

الف. مبنای الهیاتی و تکوینی: این مصداق امید مبتنی بر یک سنت جاری و غیرقابل‌تغییر الهی در نظام آفرینش است که در آیات صریحی چون «**سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا**» (طلاق: ۷) و «**إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا**» (انشراح: ۶) بیان‌شده است. این سنت در کلام امام علی(ع) نیز به‌وضوح تأییدشده است: «وقتی سختی شدت گیرد، گشایش فراهم آید» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۴۳). نظر برخی از مفسران بر این است که این آیات در مقام بیان یک حقیقت عینی و سنت لایتخلّف الهی هستند که برای فهم و تطبیق آن بر زندگی نازل شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۴۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۶۵).

ب. کارکرد تربیتی ناشی از این مبنا: ایمان و باور به این سنت تکوینی کارکرد تربیتی عمیقی را در مواجهه با رنج به دنبال دارد. کارکرد تربیتی این باور ایجاد یک «چشم‌انداز کلان و امیدوارانه به خود زندگی» است. این نگاه وضعیت روانی فرد را از «درماندگی در لحظه‌ی حاضر» به «انتظار فعالانه برای تحقق یک قانون هستی» تبدیل می‌کند. در فرایند تربیت، این امر به‌طور عینی از بی‌تابی و پاره شدن رشته‌ی صبر جلوگیری می‌نماید و انتظار کشیدن را از یک حالت منفعل به منبعی برای آرامش و استقامت مبدل می‌سازد؛ به‌بیان‌دیگر، این ایمان رنج را در یک روایت

بزرگ‌تـر از زندگـی حـل می‌کنـد و بدیـن ترتیـب، مانـع ناامیـدی می‌گـردد.

۶-۵-۲-۳- نهی از یأس و وجوب امید به رحمت الهی

الـف. مبنـای اعتقـادی و تکلیفـی: ایـن مصـداق امیـد بـر یـک حکـم اعتقـادی- اخلاقـی الـزام‌آور در هسـته‌ی مرکـزی ایـمان اسـتوار اسـت. قـرآن به‌صراحـت می‌فرمایـد: «**لَا تَقْنَطُـوا مِـنْ رَحْمَـةِ اللَّـهِ**» (زمـر: ۵۳) و یـأس از رحمـت خـدا را ویـژه‌ی کافـران می‌دانـد: «**إِنَّـهُ لَا ییـأَسُ مِـنْ رَوْحِ اللَّـهِ إِلَّا الْقَـوْمُ الْکَافِـرُونَ**» (یوسـف: ۸۷). ایـن آیـات امیـد را از حـوزه‌ی روان‌شناسـی بـه حـوزه‌ی اعتقـادی ارتقـا می‌دهنـد. در روایـت نیـز تصریح‌شـده اسـت: «یـأس از رحمـت خداونـد از گناهـان کبیـره اسـت» (ابن‌بابویـه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۷۰). بـر اسـاس ایـن، امیـدوار بـودن بـه یـک «تکلیـف دینـی» و «نشـانه‌ی ایـمان» و یـأس بـه یـک «حکـم کفرآمیـز» و «گنـاه بـزرگ» تبدیـل می‌شـود.

ب. کارکـرد تربیتـی ناشـی از ایـن مبنـا: عمـل بـه ایـن تکلیـف و اجتنـاب از آن نهـی کارکـرد تربیتـی بی‌بدیلـی در سـاخت شـخصیت دینـی فـرد ایجـاد می‌کنـد. کارکـرد تربیتـی ایـن آمـوزه ایجـاد «اطمینـان قلبـی» (ایـمان) از طریـق جایگزینـی تـرس و تردیدهـای ناشـی از ارزیابی‌هـای شـخصی، بـا اعتـماد جـازم بـه یـک منبـع رحمـت بیکـران و قطعـی اسـت. ایـن کارکـرد به‌طـور عینـی رابطـه‌ی بندگـی را تحکیـم می‌بخشـد؛ زیـرا امیـدواری بـه رحمـت خـدا را خـود بـه عبادتـی تبدیـل می‌کنـد کـه ناشـی از شـناخت صحیـح پـروردگار اسـت. در فراینـد تربیـت، ایـن بـاور تـوکل را تقویـت می‌نمایـد و فـرد را در طوفـان رنج‌هـا، بـه لنگـرگاه ثابتـی متصـل می‌سـازد کـه فروپاشـی روانـی- معنایـی را ناممکـن می‌سـازد.

۶-۵-۲-۴- انحصار امید به خداوند

الـف. مبنـای توحیـدی و انحصـاری: ایـن مصـداق امیـد را در چارچـوب اصـول بنیادیـن توحیـد عملـی تعریـف می‌کنـد. بـر اسـاس روایتـی از امـام علـی(ع) کـه مسـتند بـه سـوگند الهـی اسـت: «تنهـا بـه خداونـد سـبحان دل ببنـد کـه او می‌فرمایـد: بـه عـزت و جـلال خـودم سـوگند کـه امیـد هـر کـس را کـه بـه غیـر مـن امیـد ببنـدد، بـه ناامیـدی می‌کشـانم» (مجلسـی، ۱۴۰۳، ج ۹۴، ص ۹۵)، ایـن آمـوزه امیـد را از یـک احسـاس عـام بـه یـک فعـل توحیـدی خـاص تبدیـل می‌کنـد کـه صحـت و سـلامت آن مـشروط بـه انحصـار هـدف و متعلَّـق امیـد بـه ذات باری‌تعالـی اسـت. ایـن مبنایـی هستی‌شـناختی اسـت کـه بـر یگانگـی مؤثـر حقیقـی در عـالم دلالـت دارد.

ب. کارکـرد تربیتـی ناشـی از ایـن مبنـا: تربیـت بر پایه‌ی ایـن اصل توحیـدی کارکرد تربیتـی متمرکزکننده و تثبیت‌کننـده‌ای دارد. کارکـرد تربیتـی ایـن اصـل «یکپارچه‌سـازی و تمرکـز منابـع روانـی- وجـودی فـرد» اسـت. ایـن کارکـرد به‌طـور عینـی از پراکندگـی، اضطـراب و وابسـتگی‌های شـکننده بـه اسـباب ناپایـدار مـادی و انسـانی جلوگیـری می‌کنـد. در فراینـد تربیـت، ایـن امـر باعـث اسـتحکام بنیـان ایمانـی می‌گـردد؛ زیـرا همـه‌ی ظرفیـت امیـدواری فـرد به‌سـوی یـک نقطـه‌ی ثقـل لایتزلـزل هدایـت می‌شـود و بدیـن ترتیـب، شـخصیت دینـی او در برابـر نوسـانات دنیـوی و شکسـت‌های احتمالـی، مقـاوم و پایـدار می‌مانـد.

از مجمـوع آنچـه بیـان شـد، در سـنجش دیـدگاه فرانـکل بـا آموزه‌هـای اسـلام در مؤلفـه‌ی رنـج و

امیدواری می‌توان دریافت که پرسش‌محوریِ «ذات اختلاف این دو دیدگاه» به‌روشنی پاسخ می‌یابد: این اختلاف یک اختلاف مبنایی (هستی‌شناختی و الهیاتی) است که به تفاوت در کارکردهای تربیتی می‌انجامد؛ و نه صرفاً تفاوتی در سطح کارکرد. هر دو دیدگاه امید را عاملی کلیدی و حیات‌بخش برای تحمل رنج می‌دانند و این اشتراک کارکرد روان‌شناختی و تربیتی مشترکی مانند تاب‌آوری، حفظ روحیه و انگیزه‌ی ادامه حیات را ایجاد می‌کند. بااین‌حال، منشأ، غایت و کیفیت این امید در دو منظومه، از مبانی کاملاً متفاوتی سرچشمه می‌گیرد. در دیدگاه فرانکل، «معنایابی انسانی در آینده» مبنای امید است که در یک روان‌شناسی اگزیستانسیال سکولار ریشه دارد. امید موتور محرک انسان برای جست‌وجوی معناست. در آموزه‌های اسلامی، «توحید و ایمان به وعده‌های قطعی الهی» مبنای امید است که در یک الهیات توحیدی و نظام تکلیف‌محور ریشه دارد. امید ستونی از ارکان ایمان است. این دو بنیان جداگانه، از نظر منطقی، به دو گونه کارکرد تربیتی متمایز منتج می‌شوند. در نگاه فرانکل، امید یک سازوکار روان‌شناختی معناساز است که می‌تواند محتوای متنوعی داشته باشد و کارکردش معطوف به‌سلامت روان فردی است. در نگاه اسلامی، امید یک وظیفه‌ی دینی و نشانه‌ی ایمان است که محتوای آن ثابت (وعده‌های الهی) و کارکردش معطوف به تحکیم رابطه‌ی بندگی و تکمیل ایمان است. این تفاوت مبنایی بنیادین است که توضیح می‌دهد، چرا در اسلام یأس گناهی کفرآمیز تلقی می‌شود، درحالی‌که در روان‌شناسی فرانکل، ناامیدی بیشتر یک شکست در فرایند معنایابی قلمداد می‌گردد؛ بنابراین، نقد نظر فرانکل از دیدگاه اسلامی، نقدی «مبنامحور» است. درنهایت، هر دو دیدگاه انسان را به آینده‌ای روشن‌تر فرامی‌خوانند؛ اما نقشه‌ی راه و منبع نور این آینده در آن‌ها از دو جنس کاملاً متفاوت است.

۶-۶- رنج و پیامد اعمال

در میان تفکر فلسفه‌ی رنج فرانکل نمی‌توان نشانه‌ای یافت که وی رنج را نتیجه‌ی عمل انسان‌ها و کفاره‌ی گناهان بداند؛ اما این مفهوم در آموزه‌های قرآنی و حدیثی نمایان است. بنا بر گزاره‌های اسلامی، برخی از رنج‌ها و مصیبت‌های وارده بر انسان در پی اعمال و گناهانی است که افراد مرتکب شده‌اند. در قرآن کریم هم به این حقیقت اشاره‌شده است. خداوند در سوره‌ی شوری می‌فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيدِيكُمْ وَيعْفُو عَنْ كَثِير» (شوری: ۳۰)؛ یعنی هر مصیبتی به شما برسد، به‌سبب دستاورد خودتان است. در برخی دیگر از آیات قرآن کریم نیز به مصائب ناشی از پیامد اعمال اشاره‌شده است؛ برای مثال، خداوند درباره‌ی منافقانی که به‌سبب گناه دچار مصیبت شدند، می‌فرماید: «**فَكَيفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيدِيهِمْ**» (نساء: ۶۲)؛ یعنی مصیبت پیش‌آمده سزای کار و حاصل کردار پیشینشان است. در بعضی از آیات، خداوند صراحتاً نوع عمل نادرست گناهکاران و پیامد عملشان را یادآور می‌شود؛ برای مثال، در آیه‌ی «**سَيصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يمْكُرُونَ**» (انعام: ۱۲۴) بیان می‌کند که عذاب آنان نتیجه‌ی مکر و نیرنگی هست که خودشان به‌کار زدند. یا در آیه‌ی دیگر، «**وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يكْذِبُونَ**» (بقره: ۱۰)، خداوند عذاب دردناک را به سزای آنچه به‌دروغ می‌گفتند، برایشان می‌فرستد؛

بـه عبارتـی، عـذاب دردنـاک پیامـد دروغ‌گویـی آنـان اسـت. در روایـات اهل‌بیـت(ع) هـم بـه رنج‌هـا و مصیبت‌هـای ناشـی از پیامـد اعـمال اشاره‌شـده اسـت. حـضرت علـی(ع) در حدیثـی می‌فرمایـد: «از گنـاه پرهیـز کنیـد؛ زیـرا هیـچ بـلا و مصیبتـی جـز به‌سـبب گنـاه رخ نمی‌دهـد» (محمـدی ری‌شـهری، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۸۲)؛ یـا در نهج‌البلاغـه آمـده اسـت: «از هیـچ ملتـی آغـوش نـاز و نعمـت زندگـی گرفتـه نشـد، مگـر به‌واسـطه‌ی گناهانـی کـه انجـام دادنـد؛ زیـرا خداونـد هرگـز بـه بندگانـش سـتم روا نمـی‌دارد» (نهج‌البلاغـه، خطبـه‌ی ۱۷۸)؛ همچنیـن از امـام رضـا(ع) روایتـی نقل‌شـده اسـت: «هـر زمـان بنـدگان گناهـان تـازه‌ای کـه قبـلاً نمی‌کردنـد، انجـام دهنـد، خداونـد بلاهـای تـازه و ناشـناخته‌ای بـر آنـان مسـلط می‌سـازد» (مجلسـی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۳۵۴)؛ بنابرایـن، آمـدن بـلا و مصیبـت و گرفتـه شـدن نعمـت در نتیجـه‌ی گناهـان انسـان روی می‌دهـد.

بـا توجـه بـه آنچـه بیـان شـد، در سـنجش دیـدگاه ویکتـور فرانـکل بـا آموزه‌هـای اسـلام در مؤلفـه‌ی رنـج و پیامـد اعـمال بایـد گفـت، در آموزه‌هـای اسـلامی، پیامـد اعـمال و گناهـان انسـان یکـی از علـل رنج و مصیبت‌هـای اوسـت. عـلاوه بـر ایـن، آموزه‌هـای اسـلامی رنـج را گاهـی به‌عنـوان کفـاره‌ی گناهـان معرفـی می‌کننـد. در مقابـل، فرانـکل در مؤلفـه‌ی رنـج و پیامـد اعـمال، هیـچ اشـاره‌ای بـه ایـن موضـوع نـدارد. در نـگاه فرانـکل، رنـج پدیـده‌ای انسـانی و روان‌شـناختی اسـت کـه بایـد معنـا پیـدا کنـد، نـه نتیجه‌ی مسـتقیم اعـمال فـرد؛ بنابرایـن، می‌تـوان گفـت در ایـن مؤلفـه، سـخن گفت‌وگـوی مسـتقیم و هم‌پوشـانی محتوایـی میـان دو دیـدگاه برقـرار نیسـت؛ زیـرا اسـلام دراین‌بـاره موضعـی صریـح ارائـه می‌دهـد، درحالی‌کـه ایـن موضـوع در منظومـه‌ی فکـری فرانـکل محـل بحـث نیسـت و از دایـره‌ی پرسـش‌های او خـارج اسـت.

بایـد تأکیـد کـرد کـه ایـن هم‌پوشـانی نداشـتن بـه معنـای تقابـل یـا مخالفـت نظـری نیسـت، بلکـه نشـان‌دهنده‌ی تفـاوت در سـطح و غایـت تحلیـل اسـت. دیـدگاه اسـلامی بـا خاسـتگاه الهیاتـی خـود، بـه تبییـن علـل غایـی رنـج می‌پـردازد، درحالی‌کـه نظریـه‌ی روان‌شـناختی فرانـکل معطـوف بـه چگونگـی مواجهـه‌ی سـازنده بـا رنـج موجـود اسـت؛ بنابرایـن، سـکوت فرانـکل دراین‌بـاره را بایـد ناشـی از تمرکـز روشـمند او بـر عرصـه‌ی معنابخشـی و تربیـت روان‌شـناختی دانسـت، نـه مخالفـت بـا دیـدگاه اسـلامی. از ایـن نظـر، دو دیـدگاه در دو سـطح مکمـل سـخن می‌گوینـد.

۷- دلالت‌های تربیتی و راهکارهای کاربردی برای مربیان و مشاوران

یافته‌هـای ایـن پژوهـش بـا عبـور از سـطح تحلیـل نظـری، دسـتاوردهای عملـی مشـخصی بـرای عرصـه‌ی تربیـت و مشـاوره بـه همـراه دارد. راهکارهـای ذیـل کـه بـا اتـکا بـه مؤلفه‌هـای اصلـی پژوهـش طراحـی شـده‌اند، می‌تواننـد چارچـوب عمـل متخصصـان را غنـا بخشـند:

۷-۱- تسهیل فرایند معناسازی فعال در رنج

مؤلفـه‌ی «رنـج و معنـاداری» در دیـدگاه فرانـکل و نگـرش اسـلام، بـه رنج به‌عنـوان بخشـی جدایی‌ناپذیر از زندگـی، بـر خلـق معنـا از تجربه‌هـای دشـوار تأکیـد دارد. مشـاور می‌توانـد بـا به‌کارگیـری پرسـش‌های اگزیستانسـیال (ماننـد پرسـش از «درس وجـودی» ایـن دوره‌ی سـخت) فراینـد کشـف معنـای شـخصی را

هدایت کند. مربی نیز می‌تواند در پاسخ به چالش‌های گروهی، با تشکیل جلسات گفت‌وگو و ارجاع به مفهوم «ایثار» در مواجهه با رنج، از فراگیران بخواهد برداشت خود را در قالب یک «بیانیه‌ی یادگیری» منسجم کنند.

۷-۲- طراحی چالش‌های هدفمند برای پرورش تاب‌آوری

بر مبنای مؤلفه‌ی «رنج و تعالی دنیوی» که در هر دو دیدگاه بر رشد شخصیت از دل سختی‌ها صحه می‌گذارد، طراحی آگاهانه چالش‌های معنادار در برنامه‌های تربیتی پیشنهاد می‌گردد. در این الگو، ارزشیابی باید بر فرایند مقابله و درس‌های آموخته‌شده متمرکز باشد. در مشاوره نیز می‌توان با کمک به مراجع برای بازتعریف روایی شکست‌ها و جای دادن آن‌ها به‌عنوان «ایستگاه‌های یادگیری» در نقشه‌ی رشد شخصی، حس تاب‌آوری را تقویت کرد.

۷-۳- تلفیق رویکردهای تربیتی در مواجهه با رنج به‌عنوان پیامد اعمال

با استناد به مؤلفه‌ی «رنج و پیامد اعمال» که ویژه‌ی آموزه‌های اسلامی است، متخصص تربیتی می‌تواند رویکردی دوگانه اتخاذ کند. از یک‌سو، در مباحث تربیت اخلاقی می‌توان با ارائه‌ی آیات و روایات مربوطه، آگاهی نسبت به پیامدهای طبیعی اعمال را به‌عنوان یک اصل هدایتگر تقویت نمود. ازسوی‌دیگر، در حوزه‌ی مشاوره و پس از وقوع رنج، باید تأکید را از سطح سرزنش یا جبر اخلاقی، به سوی مسئولیت‌پذیری برای آینده و جست‌وجوی راه‌های جبران و توبه تغییر داد. این نگاه رنج را به فرصتی برای بازنگری و حرکت روبه‌جلو تبدیل می‌کند.

۷-۴- به‌کارگیری روایت‌های امیدبخش در مداخلات

مؤلفه‌ی «رنج و امیدواری» با تأکید اسلام بر وعده‌های الهی و تأکید فرانکل بر نگاه به آینده، لزوم تزریق امیدواری واقع‌بینانه را نشان می‌دهد. مشاور می‌تواند از یک بانک روایی شامل داستان‌های گشایش و پایداری برای القای امید استفاده کند. در محیط‌های تربیتی دینی، مربی می‌تواند آیاتی چون «**سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا**» را محور پروژه‌های خلاقانه (نقاشی، فیلم کوتاه) قرار دهد تا امید به‌عنوان یک مفهوم تجسم‌یافته درآید.

۷-۵- تغییر گفتمان از انفعال به کنشگری مسئولانه

مشاور برای تبدیل گفتمان انفعالی مراجع به کنشگری، باید تمرکز را از محدودیت‌های مطلق به حیطه‌ی اختیار فرد معطوف کند. در عمل، با پذیرش شرایط دشوار، پرسش را از «چرا نمی‌توانم» به «چه اقدام کوچک و ممکنی می‌توانم انجام دهم؟» تغییر می‌دهد. برای مراجع معتقد، این راهکار با الهام از مفاهیمی چون صبر فعال و دعا به‌عنوان طلب یاری، در قالب طراحی یک «برنامه‌ی عمل مختصر» شامل گام‌های درونی، ارتباطی و بیرونی تکمیل می‌شود تا حس درماندگی به توانمندی تبدیل گردد.

۶-۷- تلفیق ارزشیابی فرایندمحور با چشم‌انداز معنوی

مؤلفه‌ی «رنج و رستگاری اخروی» توجه به ثمرات پایدار معنوی را پررنگ می‌سازد. در ارزشیابی فعالیت‌های پرورشی، معیارها می‌توانند از ساعات حضور به کیفیت استقامت، خلوص نیت و رشد اخلاقی در طول فرایند گسترش یابند و این فضایل به‌عنوان «سرمایه‌ی معنوی پایدار» تفسیر شوند. در مشاوره نیز می‌توان با ترسیم «ترازنامه‌ی رشد معنوی»، توجه فرد را به تحکیم همان فضایلی جلب کرد که پس از رفع مشکل نیز به‌عنوان دارایی درونی وی باقی خواهند ماند.

۸- نتیجه‌گیری

از مباحث مطرح‌شده نتایج ذیل به‌دست آمد:

۱. ویکتور فرانکل به نقش تربیتی رنج توجه ویژه‌ای داشته و دراین‌باره مؤلفه‌هایی چون رنج و معناداری، رنج و تعالی دنیوی، رنج و رستگاری اخروی، رنج و مسئولیت‌پذیری و رنج و امیدواری را مطرح کرده است.

۲. در مؤلفه‌ی رنج و معناداری، بخشی از آرای فرانکل با آموزه‌های اسلام تطابق دارد و موردتأیید آیات قرآن است، چنان‌که رنج را جزء جدایی‌ناپذیر زندگی می‌داند و به معنای ایثار توجه می‌کند؛ اما بخشی از آرای او با آموزه‌های اسلام تطابق ندارد؛ زیرا به رنج ناشی از آزمایش الهی، پیامد اعمال و کفاره‌ی گناهان اشاره‌ای نکرده است که اسلام توجه ویژه‌ای به آن‌ها دارد؛ بنابراین می‌توان گفت، دیدگاه فرانکل در این نوع رنج، با آموزه‌های اسلامی تطبیق ندارد؛ زیرا اسلام رنج را گاه نتیجه‌ی آزمایش الهی، پیامد گناه و گاه وسیله‌ای برای هشدار، تطهیر و کفاره می‌داند، درحالی‌که فرانکل چنین تحلیلی ارائه نمی‌دهد و این بُعد از رنج را نادیده گرفته است.

۳. آموزه‌های اسلام در مؤلفه‌ی رنج و تعالی دنیوی، رنج را بستری برای رشد، تعالی و دریافت پاداش دنیوی و اخروی می‌داند. دیدگاه فرانکل نیز در این مؤلفه با آموزه‌های اسلامی تطبیق دارد. او رنج را عامل رشد، بلوغ و تعالی انسان می‌داند و معتقد است که رنج‌های وجودی انسان را از دل‌مردگی حفظ می‌کنند و موجب پختگی و غنای درونی می‌شوند؛ ازاین‌رو، آموزه‌های اسلام دیدگاه او را در این مؤلفه تأیید می‌نمایند.

۴. در آموزه‌های اسلامی، جهان آخرت سرای جاودانه، حقیقی و پاداش‌دهنده‌ای است که در آن، رنج‌ها و سختی‌های تحمل‌شده در دنیا بی‌پاسخ نمی‌مانند. دیدگاه فرانکل نیز در این مؤلفه با آموزه‌های اسلامی تطبیق دارد. او معتقد است، جهانی ماورای جهان انسانی وجود دارد که به رنج‌های بشر پاسخ نهایی خواهد داد؛ ازاین‌رو، آموزه‌های اسلام دیدگاه او را در این مؤلفه تأیید می‌کند.

۵. با توجه به آموزه‌های اسلام، انسان در برابر رنج، مکلف به انجام وظایف و مسئولیت‌هایی است. فرانکل نیز در این مؤلفه بر این باور است که انسان باید به‌تنهایی مسئولیت رنج خود را به عهده بگیرد و از این طریق به معنای زندگی خویش فعلیت و تحقق بخشد. این نگاه فرانکل تا حد بسیاری با آموزه‌های اسلام تطبیق دارد؛ زیرا به مسئله‌ی مسئولیت‌پذیری در برابر رنج توجه

ویـژه‌ای داشـته اسـت؛ امـا بـرای ایـن وظایـف بـه مصادیـق خاصـی اشـاره نـدارد، درحالی‌کـه آموزه‌هـای اسـلام بـه وظایفـی چـون صـبر، دعـا، تقـوا و تـوکل در برابـر رنـج تأکیـد کـرده اسـت.

۶. در آموزه‌هـای اسـلام، امیـدواری بـه هنـگام مشـکلات به‌عنـوان اصلـی بنیادیـن مطرح‌شـده اسـت. فرانـکل نیـز بـر ایـن بـاور اسـت کـه انسـان بـا داشـتن امیـد می‌توانـد بـر سـختی‌ها و مشـقات غلبـه کنـد. نـگاه او از حیـث تأکیـد بـر نقـش امیـد در عبـور از سـختی‌ها بـا آموزه‌هـای اسـلام مطابقـت دارد؛ امـا از نظـر اینکـه امیـد را به‌صـورت کلـی و انسـانی مطـرح می‌کنـد، بـا آموزه‌هـای اسـلام تطابـق نـدارد؛ زیـرا اسـلام امیـد را به‌طـور خـاص در پیونـد بـه رحمـت الهـی معنـا می‌نمایـد.

۷. یافته‌هـای پژوهـش می‌توانـد دلالت‌هـای مهمـی بـرای مربیـان و مشـاوران در مواجهـه بـا مفهـوم رنـج داشـته باشـد.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی محمدمهدی فولادوند.
- شریف رضی، محمدبن‌حسین؛ نهج‌البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- ابن‌بابویه، محمدبن‌علی؛ من لایحضره الفقیه؛ محقق و مصحح: علی‌اکبر غفاری؛ قم: اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- ابن‌شعبه، حسن‌بن‌علی؛ تحف‌العقول عن آل رسول علیهم‌السلام؛ قم: نشر اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
- ابن‌عاشور، محمدطاهر؛ تفسیر التحریر و التنویر؛ بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر؛ تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن‌محمد؛ غررالحکم و درر الکلم؛ قم: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۱۰ ق.
- جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم؛ قم: اسراء، ۱۳۷۸ ش.
- حر عاملی، محمدبن‌حسن؛ تفصیل وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ قم: آل بیت، ۱۴۰۱ ق.
- حقی برسوی، اسماعیل‌بن‌مصطفی؛ تفسیر روح البیان؛ بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
- دخیل، علی محمدعلی؛ الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز؛ چاپ دوم، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۲ ق.
- زمخشری، محمودبن‌عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل؛ چاپ سوم، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ش.
- طبرسی، فضل‌بن حسن؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
- ــــــــــــــ؛ تفسیر جوامع الجامع؛ قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۱۲ ق.
- طبری، محمدبن‌جریر؛ جامع‌البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، محمدبن‌حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار احیاءالتراث العربی، بی‌تا.
- طیب، عبدالحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، تهران: اسلام، ۱۳۶۳ ق.
- فخر رازی، محمدبن عمر؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح‌الغیب)؛ چاپ سوم، بیروت: دار احیاءالتراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- فیض کاشانی، محمدبن‌مرتضی؛ الوافی؛ اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علی(ع)، ۱۴۰۶ ق.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ الکافی؛ محقق: علی‌اکبر غفاری؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار؛ بیروت: دار احیاءالتراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- محمدی ری‌شهری، محمد؛ میزان‌الحکمه؛ چاپ دوم، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳ ش.
- مغنیه، محمدجواد؛ التفسیر الکاشف؛ قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- میبدی، احمدبن‌محمد؛ کشف‌الاسرار و عدة الابرار؛ چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
- Frankl, Victor Emil (2006), Man's Search for Meaning, boston: beacon press.
- Frankl, Victor Emil (1988), The will to Meaning, New York: Penguin

- Frankl, Victor Emil (1986), The Doktor and the soul, Third edition,New York: Vintage.

- Masoumeh Navazi: PhD in Comparative Interpretation, Yazd University, Yazd, Iran. (Corresponding author).mnavazi@stu.yazd.ac.ir
- Mohammad Ali Heydari Mazra Akhund: Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. heydari@yazd.ac.ir
- Baman Ali Dehghan Mongabadi: Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. badehghan@yazd.ac.ir